



# تاریخ موسیقی سده نوزدهم

نوشته کارل دالهاس  
ناشر انتشارات دانشگاه کالیفرنیا

NINETEENTH – CENTURY MUSIC  
CARL DAHLHAUS

BY: CA

By: Carl Dahlhaus

publisher: university of california press 1989

مهمترین کتاب او، کتاب "تاریخ موسیقی سده نوزدهم" است. شیوه کار او در این کتاب به طور مشخص قبلاً "در کتاب" "سپاد تاریخی موسیقی" به طور خلاصه شرح داده شده است، کتابی که برای پاسخ تئوریک به مشکلات عملی که من برای به ارت گذاشتن یک تاریخ از موسیقی سده نوزدهم با آن مواجه بودهام "نوشته شده. در کتاب "موسیقی سده نوزدهم" شرح مفصلی از این مشکلات به زبان ساده در بخش مقدماتی کتاب آمده است.

"یکی از این مشکلات شکاف عمیقی است که بین تاریخ و فلسفه هنر وجود دارد - تاریخ هنر که کارهای موسیقی را صرفاً در حد اسنادی برای توصیح یک شیوه یا سبک یا حوزه خاص به کار می‌گیرد و فلسفه هنر که با استخراج محصولات مصنوعی از تاریخ سعی بر جادادن آنها در موزه‌های نخبلی دارد، این دوگانگی برتری اسلوب شناسانه‌ای را به دست می‌دهد که نظم‌های متفاوت را از یکدیگر جدا می‌سازد، اما فقط به قیمت روبیدن مشکلات مسلم تاریخنگاری موسیقی به‌درون شکاف بین تاریخ و زیباشناسی و نه با حل آنها.

تاریخ هنری که در عین حال تاریخ هنر نیست، زیرا در آن تعبیر زیباشناسانه به‌نفع تعبیر مستندگذری عبوری پیدا می‌کند و با بر عکس اهداف تاریخ موسیقی با دعوی کنار هم گذاردن یک مجموعه از زندگیا به‌های آهنگسازان، راهنمای گسرت و جهان‌نمای‌های تاریخی، فرهنگی موسیقی، سقوط‌گسترده‌ای می‌نماید."

الیفات کارل دالهاس مجموعه‌ای از دست‌نمات‌های مسوع و معاون به علم موسعی را عرضه می‌کند، در حالی که ساج اساسی اضماط تئوریک را سیر، با دیدی که عمقا رینه در ریباشناسی و فلسفه سنتی آلمانی دارد، ندیده می‌گیرد. کارل دالهاس، نویسنده کتاب "تاریخ موسیقی قرن نوزدهم" از سال ۱۹۶۸ تا زمان مرگش که در ماه مارس گذشته (در سن ۶۰ سالگی) اعاای افتاد. در دانشگاه پلی‌تکنیک برلین تدریس می‌کرد. او مردی بود با علائق و استعدادهای وسیع. پیش از به‌عهده گرفتن شغل مدرسی دانشگاه، او ریاست پروژه تحقیقاتی وسیعی را در زمینه تاریخ چگونگی و کیفیت صدا و همچنین موسیقی باخ او جاسکس آ، به‌عهده داشت. نزدیک یک‌دهه درام‌نویس ایرانی بزرگ گونینگ‌المان بود.

در سمپارهای تابستانی بین‌المللی معروف موسیقی در دارمشتات در رمنه، موسیقی معاصر تدریس می‌کرد و سالها در مطبوعات آلمان مستعد موسیقی بود. او درباره "زیباشناسی موسیقی تئوری موسیقی، تجربه و تحلیل موسیقی قرون وسطی موسیقی رمانس، موسیقی در دوره کلاسیک‌ها، موسیقی سده نوزدهم، خصوصاً "پتهوپون و واگنر، تالیفاتی دارد، دالهاس یکی از فضلی کماط دانش موسیقی بود.

انتظار می‌رود که دیگر کتابهای او نیز که در سالهای اخیر به‌رشته، تحریر درآمده‌اند سیر، به‌زودی به‌زبان انگلیسی ترجمه شود.

دالهاس معتقد است که بیشتر تاریخهای نوشته شده موسیقی پس از اواسط سده نوزدهم در مواجهه با این مشکل شکست خورده‌اند و تاریخ موسیقی را زندگی‌نامه موسیقی تعبیر کرده و آن را به یک پرستگاه عمومی بر آن نامهای معروف تبدیل نموده‌اند.

اگر چه دالهاس صریحاً "نظریه هنر بدون اسم را رد می‌کند و اصرار می‌ورزد که: "هر اسمی که در تاریخ او آورده شده جایگاه خاص خود را دارد نه برای عرضه یک زندگی‌نامه بلکه به دلیل آثاری که وضع شخص را در حد یک مولف تثبیت می‌کند. این کتاب تاریخ آئینهای عامی است که تاریخ موسیقی را سیر در درون خود جا داده است، تاریخ پیوستن و با جدا شدن از این آئینها و سنتها، تاریخ مرتبط با حیرت‌انگیز و سیر تکاملی تدریجی، برقرار کردن و با شکستن سنتها. او به هسته مرکزی این دید در تاریخ کارهای موسیقی و سنتهای عام آن دورنماهای دیگری نیز اضافه می‌کند که به کتاب عمق تاریخی و اجتماعی قابل ملاحظه می‌دهد. دالهاس در مورد بنیتهای در یک ساختار زندگی‌نامه‌ای، افسانه، رمانتیک آهنگسازی که همانند یک انقلابی بیرون‌مندی، یک جادوگر یا شهید مقدس، رابطه‌های حقیر را تحمل می‌کند، محنتی را در مورد جوهر زیبایی‌شناسی که در ما با شنیدن موسیقی ظهور می‌کند، دنبال می‌نماید، افسانه، بنیتهای در واقع حفظ شده است، بخش کوچکی از آثار کامل او شامل: فیلدلیو<sup>۴</sup>، ایگمونت<sup>۴</sup>، سمفونی سوم، پنجم، نهم، پاتتیک<sup>۵</sup>، سونات آپاسیومات<sup>۶</sup> انتخاب و مورد بحث قرار گرفته، در حمایت از افسانه بنیتهای، این گفته که این آثار "او" را نمایندگی می‌کنند، حقیقت ندارد، اما خود می‌تواند ادعایی بر ساخته شدن افسانه، بنیتهای باشند.

"ما به قدرت بهایی می‌اندیشیم که ریشه‌دار شدن سنت عقاید بنیتهای موجب از دست دادن چه چیزهایی شده است، کارهای اختصاصی مرحله اول او از ویژگی سرگرم‌کنندگی برخوردار است، به خصوص بخش موسیقی مجلسی با سازهای بادی که کلاً از رپرتوارهای اواخر سده نوزدهم حذف و بر وادی فراموشی سپرده شدند."

به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از آهنگسازانی که پس از این آمدند، رفتارهای ادبی خود را از کارهای بنیتهای که با نارو بودی در یک افسانه، رمانتیک بهمم بافته شده بودند نگرفته بلکه بیشتر از مجموعه‌ای از کارهای نوشته شده در حدود سالهای ۱۸۱۰ به دست آورده‌اند.

دانشه، بخشهای دالهاس در این کتاب به‌طور قابل توجیهی وسیع است، او گرایشات فلسفی سده نوزدهم و تداخل آن را با تاریخ موسیقی (جنبه، ماورا<sup>۷</sup> الطبیعه موسیقی) نقد موسیقی به عنوان بخشی از فلسفه تاریخ و تاریخ‌گرایی (رپرتوارهای کاملی که معمولاً جایشان در تاریخ هنر موسیقی خالی مانده‌اند (ابده) موسیقی فولکلوریک، موسیقی کورال در شکل آموزشی آن (موسیقی عامانه)، تغییر و تحولات

اجتماعی که با حیات موسیقی برخورد مستقیم داشته‌اند (موسیقی — روزوازی، موسیقی کلباسی، روح سوزوا، رمانتسم) مورد بحث قرار می‌دهد.

بخش دیگری از کتاب موضوع بحث انگیزی را در باره (موسیقی عامانه) به‌شکلی پیچیده مطرح می‌کند، بدین‌صورت منحصراً به‌عنوان فرهنگ موسیقی سده نوزدهم. پدیده‌های که به‌میران قابل توجهی با موسیقی محبوب سده هجدهم او، تفاوت دارد. موسیقی که به شیوه‌ای آگاهانه‌ای ملایم است و نظاً به احساساتی بودن دارد. این موسیقی اصرار دارد که برای همه، صریح و همه‌مندی باشد و به‌همین دلیل، در همان زمان که می‌کوشد احساسات را به‌شکلی جودرو بیرون بریزد در تاریک‌ترین حدود قراردادی باقی می‌ماند. دالهاس معتقد است که عمده‌ترین شخص در موسیقی مدرن سده بیستم آرنولد شوپنبرگ است. "حدود پایانی سده نوزدهم، به‌صورت مرحله‌ای در تاریخ موسیقی، مانند بقیه مباحث تاریخی به‌این بستگی دارد که ما چه پدیده‌های را عنصر اصلی ساختاری موسیقی "معتبر" مدرن سده خود بدانیم."

شاید جنبش حمله‌ای تحت تأثیر تئودور آدورنو<sup>۷</sup> گفته شده، که برای او بعضی از موسیقی‌ها (شوپنبرگ) "معتبر" هستند. درحالی که بقیه (نوکلایسیم، استراوینسکی)، نیستند و بنابر این می‌توانند در حمله محبوب دالهاس (کیه خاکستر موسیقی) مورد استناد واقع شوند.

در واقع در آغاز کتاب "تاریخ موسیقی سده نوزدهم" دالهاس اعلام می‌کند که در سده بیستم شوپنبرگ با آزادسازی خود از قید "ماه‌سازی صداها" نقیبی در سنت زد که به‌شکل تغییر ناپذیری آن را میان تپه و عاری از هر گونه مفهوم زیبایی‌شناسی نمود. با توجه به نقطه‌نظرهای سالهای ۱۹۳۰، او اعتراف می‌کند که این دید کجروی بوده است، آن زمان منتها درجه نوکلایسیم استراوینسکی "اعتبار عمده" قرن به‌نظر آمده بود.

در سالهای ۱۹۵۰، دیدگاهها عوض می‌شوند و شوپنبرگ "صعود جهانی" می‌کند، ممکن است شخصی مدعی شود که "جهانی شدن" وقتی که جانی برای بارتوک<sup>۹</sup>، برتن<sup>۱۰</sup>، نوستا کوپچ<sup>۱۱</sup> نباشد به‌سختی "جهانی" است، اما سراجام دیدگاه سالهای ۱۹۵۰ دید غالب کارل دالهاس باقی می‌ماند.

برای دالهاس تاریخ موسیقی به یک "تداوم و سیرتکامل تدریجی" مجازی گره حورده است. برقرار کردن و دوباره شکستن قراردادهای به‌سختی می‌توان صفحاتی در این کتاب یافت که شاهدهی برای سیر تکاملی تدریجی نباشد. علیرغم توجهی که او به موضوعات اضافی مبذول می‌دارد مدلی که او تاریخ موسیقی را با آن به نگارش در آورده در یک جهت ثابت حرکت می‌کند.

اینها و آنجا دالهای نمونه‌هایی از سنت آلمان را به عنوان اینکه اواخر سده نوزده در سطح جهانی قابل قبول بوده‌اند مورد نظر قرار می‌دهد. و به‌وسیله استانداردهای بیرونی سه‌پویی در معناس کمی آهنگسازانی از مکتبهای دیگر مورد داوری قرار می‌دهد. در حقیقت صادقی است که در تاریخ موسیقی دالهای و فاع "تاریخی" و "معتبر" به‌کتورهای دیگری پیش از آلمان و اطریش اختصاص داده شده است. لذا به درک علل عدم قبول مدرسیسم به‌وسیله آنتراوس که پیش از شیوه‌های دیگر موسیقی مورد نظر بوده نیاز بیشتری احساس می‌شود.

بخش قابل توجهی از تفکر دالهای بر اساس عقیده ماکس وبر ۱۲ در مورد نمونه درصدی ۱۴ که معییری است تحلیلی بر عکس درک و سختی که از عبارت " و فاع اقتصادی اجتماعی " مسفاذ می‌شود و جهت شرح و توضیح به‌دانش- یزوهان علوم اجتماعی انتخاب کرده است، می‌باشد. (که دالهای در عمیر خود آن‌را " و فاعیات تاریخ موسیقی ۱۴ " می‌نامد). به‌رم ماکس‌وبر آنها ابزار تحلیلی مقدمانی برای اسجاد مهارتهای دهی در کسب اطلاعات غیر علمی هستند.

دالهای اغلب اطلاعات خود را در باره " و فاعیات تاریخ موسیقی " از طریق آثار خاصی از موسیقی ارائه می‌دهد. و وقتی از ماکس وبر استمداد می‌جوید، بیشتر بر مندولوزی خود متکی بوده و بسیاری از تعبیرات تاریخی خود را به خصوص در مورد مواردی که مورد خشنودیش نیست هنگام تحلیل به‌کار می‌گیرد. این شیوه‌ها و نه‌با تحمیل مثالها، بلکه با استعاده از " ابزار تحلیلی " انجام می‌دهد.

در هر صورت همانطور که وبر در علوم اجتماعی " نمونه فرضی " را به " و فاعیات... " ربط می‌دهد و به‌شکلی که برای او مطرح است یا فشاری می‌کند، دالهای هم مثالهایی از موسیقیهای مختلف را اسجاد کرده در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. ماسد: موزیک " دونیزتی ۱۵ و لیسزت ۱۶ که نوعی از این شکل به‌حساب می‌آید و می‌ز بیان " شیوه‌دوگانه " (منظور اتحاد دو نوع اثر کاملا " متفاوت از نظر سبک به‌منظور نتیجه‌گیری واحد است). در مورد موسیقی سالهای ۱۸۱۴ تا ۱۸۳۵ ماسن روسینی ۱۷ و بنه‌وون. که آثارشان تحسیمی از دو نوع شیوه منطفا " متفاوت است. مثال دیگر متافنا " تحلیل آثار روسینی است که از طریق آثار ساده و مانوس آهنگساز انجام گشته و به‌آثار پیچیده‌تر وی با دونیزتی که در مورد وی روشی مصاد با روشنی اتخاذ شده است.

مطمئنا " انگیزه و درو فاع بصیرت درخشان و همه‌جانبه دالهای به موزیک سده نوزدهم. توجه‌شنوندگان موسیقی، موسیقیدانها و هنرچویان را به‌درجه‌مطلوبی بطلب می‌نماید. اما کتاب در نهایت از تحسم تحریبات رهبران موسیقیدان قرن فاصر بوده و در عرصه یک جریان به‌حساب آمده از موزیک تاریخ عصر، برای کسای که کتابهای تخصصی اصلی موسیقی و انتشار دهندد ایدئولوژیهای مختلف در زمینه موسیقی را

مطالعه نکرده باشند، ناخوان است.

تاریخ دالهای، منعکس‌کننده نظرگاههای شوئنبرگ و شاگردانش بوده و ارگان مهمی از تاریخ موسیقی سده نوزدهم را به‌سمت تکنیک‌های هساینگ و استفاده از مبادی محرکها در آثار سوق می‌دهد.

دالهای در اواخر حیاتش مقالاتی در باره " عدم قبول تفکر مادی ۱۸ " منتشر نمود که کوششی در ارائه موسیقی بیست و پنج سال گذشته در زمینه دستنگاه شوئرگ خودش بود. (شوئنبرگ و موزیک جدید- ۱۹۸۴). او شناختی از عقیده " تمایلات احجاری واقعی " که دیگر به‌وسیله آهنگسازها مورد قبول نبوده را به‌وجود می‌آورد.

معینا، " تاریخ " دالهای تمایل روشن سبنانه‌ای در موسیقی را طرح کرده، تاریخی خلق می‌نماید که در فقدان " تمایلات احجاری واقعی " و با تعمق، تنوع و هر تمام عباری، فرهنگ موسیقی سده نوزده را حفظ می‌نماید.

- 1- Bach
- 2- Josquin
- 3- Fidelio
- 4- Egmont
- 5- Pathetique
- 6- Appassionates
- 7- Theodor Adorno
- 8- Stravinsky
- 9- Bartok
- 10- Britten
- 11- Shostukovich
- 12- Max Weber
- 13- IDE ALTYPES
- 14- FACTS OF MOSIC HISTORY
- 15- Donizgtti
- 16- Liszt
- 17- Rossini
- 18- AREJECTION OF MATERIAL THINKING



## سوسن پیرنیا



اسکار وایلد .

نویسنده: ریچارد المن

نیویورک . ۶۸۰ صفحه - ۱۹۸۸

OSCAR WILD

BY: RICHARD ELLMAN

680 pp. 1988

Richard Ellman

فرهنگ ویکتوریایی را به فرهنگ جدید هدایت نموده است .

شهرت و اعتبار اسکار وایلد عمدتاً در زندگی اوست و نه در هنرش. گرچه خود او معتقد به "هنر برای هنر" بوده و هیچگاه مقوله هنر را از زندگی جدا ننموده است. ریچارد المن می‌گوید: "اسکار وایلد معتقد بود که "هنر به تنوع جامعه‌های پیشرفته یا عقب‌مانده شکوفا می‌شود و با به زیر می‌آیند. هنر زمانی می‌نواند از نو آرساید که جامعه درخور آن باشد". و نیز زمانی که نوشت: "زندگی از هنر تقلید می‌کند... چندان بهبوده نکفت! در کتاب "از اعمان" وی خود را در زندگی عادی و خصوصیتش هم یک هنرمند توصیف می‌ساید (ARTIST IN LIFE) و زندگی‌اش را وقف بزرگترین آثار هنریش می‌ساید. اما اگر می‌دانست که بعدها ماجراهای خصوصی و پریهایوی زندگی‌اش بیشتر از آثار ادبیش خوانندگان را جلب می‌ساید به شدت مایوس می‌شد. علیرغم آثار معروفی که او از خود به جا گذاشت نظیر "تصویر دوریان‌گری" که داستانی حساس، دوست‌داشتنی و زیبا است، "شاهزاده خوشبخت"، "قصیده" زندان ردینگ" و نمایشنامه معروف و بااهمیت "اهمیت ارنست بودن" که مطمئناً یکی از مهمترین آثار اوست و جای مهمی در میان نمایشنامه‌های جهانی دارد، هیچیک از آثار اسکار وایلد نتوانست جزو آثار کلاسیک ادبیات جهان قرار بگیرد. او در زمینه‌های جدی به طور قطع کمیک بود، اغلب شخصیت‌هایی که اختراع می‌کرد برای

هشتاد و هفت سال از زمانی که اسکار وایلد نویسنده نامدار انگلیسی در وضعیتی اسفاک از بیماری سفلیس در هتل کوچک آلراس در پاریس بدرود حیات گفت، می‌گذرد.

ریچارد المن زندگینامه‌نویس معروف و نویسنده زندگینامه "جیمز جویس، یکی از مهمترین منفدین آثار ادبی، در ادبیات جدید، به خصوص ادبیات ایرلند است. وی بیست سال آخر زندگی خود را وقف تحقیق و نگارش زندگی ادبی و هنری اسکار وایلد نمود.

ریچارد المن در کتاب خوش‌گوشش نموده است که اطلاعات خود را در مورد اسکار وایلد تا زمان مرگ این نویسنده تکمیل نماید. یعنی تا سال ۱۹۸۷ وی با اسکار وایلد بوده و هر روز زندگی خویش را با نگارش سرگذشت وی گذرانده است. به طوری که در طی آن خلد مثنی جویس را در نوشتن زندگینامه مشخص‌تر و متمایز می‌ساید.

در این اثر، ریچارد المن نمی‌گوشد چون سرگذشت جیمز جویس تنها به تکمیل دانش و معلومات خواننده در مورد نویسنده بپردازد - زیرا تاکنون در مورد وایلد اطلاعات بسیاری در اخبار علاقمندانش گذاشته شده است - بلکه وی در اثر خوش وایلد را به عنوان نویسنده‌ای که قادر به بیان مفاهیم سرچسته و پرمعنی اصل بوده و قدرت بسیاری در بیان تعصبات اصولی در فرهنگ محاوره‌ای زبان انگلیسی دارا بوده است، معرفی می‌نماید. این فرهنگ محاوره‌ای،

ولی آسان نیست که همه جواب را در زندگی  
آموخت . مبارزه طلبی نیچهای اسکار وایلد در مورد فرهنگی  
که "طبیعی" جلوه کند ، باری با کلمات و زبان ، نفوذ بر  
ارزشها در روشی آشکار با نیتی فاش شده ، بوافرسا و  
دلخواهانه ، او را هنگامی که افکارش را از نوشته به جامعه  
منقل می نماید ، دچار اسکال می سارد .

اسکار وایلد به زعم ریچارد المن نویسنده های است  
حالیاف ، طعنه زن که بیماری و احتضارش در بیماری و مرگ  
غریبش ، در نهایت به موضوعی همری تبدیل شد .

او نتوانست مرکزش را مانند بسیاری از پیشینی های  
هرش تدارک بیند . حتی مسیر زندگی از کنترل خارج  
شد و از مقاصد اصلی او منحرف گردید و نتوانست به  
انتظارهایش یعنی به حد تخیلات و پندارهایش دست یابد .  
حاصل زندگی همری بریار او مرگ فاقد از همری را به دنبال  
داشت .

ریچارد المن در گفتاری در کتاب حوش روشن  
می نماید که اهمیت تکرار زندگی نامه اسکار وایلد چیست .  
او اسکار وایلد را مجدوانه ، شخصیتی سخاوتمند ، بذلگو ،  
سرتار از شادمانی و حتی جسور معرفی می نماید . و کوشش  
خود را صرف معرفی و تحلیل آثار اسکار وایلد می نماید .

خودش به سختی قابل تحمل بود . او عاشق زندگی و  
امکانات نامحدودی بود که نخلاتش را دامن می زد . در  
کتاب "از عشاق" می نویسد : "آروم آنست که نتوانم  
سوه های کلیه درختان موجود در همه آبهای دنیا را  
بحورم ... با این آرزو به جنات خود ادامه می دهم ."

به عقیده ریچارد المن ، اسکار وایلد یکی از آخرس  
و بزرگترین رمان نویس سگ رمانتیک است . اما رمانسم  
او را اغلب مهمل و سفیدار جلوه می دهند . در حالی که او  
از رسخد هیچ موضوع به ظاهر حدی و رمانسک خودداری  
می نماید .

المن می گوید : او راه حرف زدن را ساده بود و  
دکارگیری بیلیجات مدرن و نمود در دیگران را آموخته  
بود . او عمال بسیاری داشت که همسته درباره مادهای  
ظاهری غامبه و مادهای ظاهری صرف سوسد : "...  
عظ مردم سدلجی و عامی هستند که ظاهری فصاحت  
نمی کنند . لذا باید به چیزهایی برخورداردی حدی کرده و  
با هر خبر حدی در زندگی با دسمیمت و با منشی غامبه ،  
رفنار ماسم ."

### انتشارات به نگار منتشر کرده است:

- ۱- پاسخ به مدعی - دکتر انور خامه ای ۱۷۲ صفحه ۹۰۰۰ ریال
- ۲- آوازه های ایرانی فرامرز سلیمانی ۲۱۴ صفحه ۱۱۰۰ ریال
- ۳- نامه های کمال الملک به کوشش علی دهباشی ۲۶۴ صفحه ۱۸۰۰ ریال
- ۴- چراغانی در باد احمد آقائی ۴۹۱ صفحه ۲۲۰۰ ریال
- ۵- رهایی از دانستگی کریشنا مورتی
- ۶- ترجمه مرسد لانی
- ۷- طیبیان نابیان محمد رضا خسروی ۵۷۶ صفحه ۳۰۰۰ ریال
- ۸- کتاب به نگار به کوشش علی دهباشی ۲۸۸ صفحه ۱۰۰۰ ریال
- ۹- مصیبت نویسنده بودن ترجمه میروس ظاهیا ۲۸۸ صفحه ۱۰۰۰ ریال
- ۱۰- اسپر لوس هرمان هسه ترجمه پرویز داریوش ۲۷۲ صفحه ۱۰۰۰ ریال
- ۱۱- می گوید ویران کن مارگریت دوراس
- ۱۲- ترجمه فریده زندیه ۱۲۸ صفحه ۷۲۰ ریال
- ۱۳- سایه های وقت حسین محمودی ۱۰۸ صفحه ۸۰۰ ریال

تلفن مرکز پخش انتشارات به نگار : ۸۹۰۹۳۷